بینند آنانکه بقدم دل روند پر تو دیدار بینند عوام تصحیح کردند خواص ادای حج آوردند یکی قاصد روی دوست یکی از پی آن دوست
یکی برای آن و دیگی برای او بیت حاجی بره کعبه عاشق برای دوست : تن در هوای کعبه و جان در هوای دوست : جمعی مفسران
برانند که چون صدر این آیه نازل شد و بر بندگان مستطیع حج واجب شد حضرت سید عالم صلعم ارباب ملل را جمع کرده و بمبالغه
بمنبر برآمد و خطبه بلیغه مشتمل بر آیه الکریمه بحامد نعمای نامتناهی او از فرمود و در اثنای سخن پس تمام از ذوق حج اگاه کرد و ارشاد
کفت ان الله کتب علیکم الحج فحجوا ای بندگان خدای خداوند بر شما زیارت کعبه معظمه واجب کردانید پس بقصد طوف
آن قدم اخلاص در راه نهید و داد مروت در طریق فتوت باد اشرایط و مراسم حج بجا آرید یک طایفه که مسلمانان بودند
بقبول این امر مبادرت نمودند و اهل پنج ملت دیگر یعنی یهود و نصاری و صابیان و مشرکین و مجوس از این حکم با کرده
بکفر و انکار بازگشتند و حق سبحانه فرستاد که ومن کفر و هر که کفر ورزد بفرضیت حج یا اولیت بیت یا بآیات بینات که در بیت
فان الله پس بدرستی که خداوند تعالی غنی عن العالمین بی نیاز است از همه عالمیان ای عزیز این آیه مشتملست بر انواع
تاکید و تشدید در باب حج و آن تاکیدات از قبیل اعجاز است بقولی که اعجاز راجع بفصاحت مفردات و بلاغت نظم
و لطافت مبادی و ظرافت مقاطع آن دارند و چگونه معجز نباشد آیتی که هر کلمه از و حالتی خاصست در باب تاکید اولا لام
ملک است و مقتضی ایجاب و دارابرا این اسم مقدس هم تشویش و ترغیب است و هم تهدید و ترهیب مشتاقان را بذوق
استماع این توهم مشقت حج را که تکلیفیست جامع میان کسر نفس و اتعاب بدن و صرف مال و تجرد از شهوات بکجان استقبال
نمایند و مکلفان از هیبت سطوت الوهیت ترسان شده متصدی این شغل خطیر کردند علی الناس در عرف شرع دلالت بر ایجاب
دارد چنانچه گویند لزید علی عمرو حق پس بنا وجوب حج بدو نوع که مقتضای لام و علی باشد ثابت میشود و حج البیت حج قصد بیت
مخصوص و در معنی غلبه و ظفر بمطلوب هست بعال حجت از اغلبه بالحجة و حجت برهانی باشد روشن کسی که بشرف حج اختصاص
یابد برهانی روشن بر مطالب خود غالبست من استطاع بدلست از ناس و در و و نوع از تاکید وقوع دارد یکی اگر
تثنیه مقصود و تکریر آنست والمکرر هو المقرر و دیگر ایضاح بعد از ابهام و تفصیل بعد از اجمال و ایراد مراد در صورتین
و مرتب باشد تقدیم الیه و تنکیر سبیل اشارتست باآنکه هر نوع راهی که باشد نزدیک یا دور بشرط اختصاص
و من کفر بجای لم یحج تاکید وجوب و تغلیظ تارک حجست و لهذا از حضرت رسالت علیه صلوات در تشدید جمعی
سر برخط این فرمان نهند احادیث وارد شده از جمله آنکه هر که مالک راحله و زادی باشد که او را بخانه خدای تواند رسانید
حج نکند گو خواه یهودی میرد و خواه نصرانی و درین غایت مبالغه و تهویت و انذار بعظمت شان حج که بی آن ارکان
مسلمانی تمام نباشد بیت وین تر اتمام شود ارکان تمام : روی نیاز از خانه برکن مقام : هر که نه مایل بسوی وی شود
خویش راه منافی شود : فان الله اسم است درین محل جهت کمال عظمت و جلال الوهیت است و تخویف تارک حج
غنای الهی دلالت بر سخط و غضب دارد و نسبت بترک کننده حج که و من کفر اشارت باوست عن العالمین فایده دفع

سفر و ایراد اسم عام آنست تا متناول آن مفرد خاص باشد یعنی من کفر بر سبیل کنایت ابا به وگفته تعیین عالمیان بذکر استغنا
کاملست و از ان عظم سخط مفهوم میشود و بر کنایت تعلق بحبه و درین صورت تحقیر مستوجب علیه نیز هست که گویا از عدم اعتداد
قابلیت آنکه در زمره مغضوب علیهم داخل باشد ندارد و این همه مبالغه در باب حج برای آنست که هیچیک از عبادات هیئت که
در آن مال فوت و نفس و نسبت بتمامها داخل باشد مگر حج و مباشر بجهت قربت عزبت و تجرد و از لباس راحت و تبدیل عشرت
بعسرت و اختیار محنت بر لوازم محنت و مهاجرت مساکن و اوطان و صرف استفراغ اموال و رکوب شداید و اهوال و تعب
بسیار و زحمت بیشمار میرسد و هرآینه نفس از مباشرت چنین تکلیفی برمد پس حق سبحانه تعالی از عهده این کار تاکید مبالغه
بسیار فرمود و در تیسیر آورده که تکالیف شرعیه بر دو قسم است یکی آنکه اصل آن معقولست اما تفاصیلش را بعقل ادراک نتوان کرد
چون نماز که بنای آن بر تعظیم خالقست اما کیفیت اعداد رکعات و ارکان و هیات آن بفهم در نیاید و اصل زکوة دفع حاجت
فقرا و محتاجانست و کیفیت و کمیت اموال زکوة معلوم نیست اصل صوم قهر نفس است و وجه اختصاص بهار روشری معین مفهوم
نه و اما حج سفریست بموضع معین بر هیاتی مخصوص نه اصلش توان شناخت و نه کیفیت و حقیقتش توان رسید و ادای این نوع از
بکمال عبودیت و خضوع و خشوع از نوع اول دلالت بیشتر است چه اینجا جز بمجرد انقیاد و تصور نتوان کرد و در قسم اول چون اصلش
معقولست مباشر آن بعقل فواید و منافع در آن ممکن است پس اینجا احتیاج بمبالغه بیشتر باشد نتیجه و فایده این عمل از اعمال دیگر
اتم و اکثر و بو فاید و از ین عظیم ترک جزای حج بیرون نیست الا بهشت صاحب مجمع البحرین آورده که منفعتش اجماع مسلمانانست و آن
موجب نزول رحمت بیکران که الجماعة رحمة نماز که وظیفه یومیه است بجماعت شروع تا همسایگان و اهل محله در شان روزی پنج
بار بمقام خدمت جماعت حاضر آیند و چون حصول اجتماع ساکنان بلده هر روز بدین نوع تعذری داشت در هفته یک روز مامور شدند
که باقامت نماز جمعه در مسجد جامع کردند و بعد ما که اجتماع اهل سواد با ارباب امصار و بدان با جماعت حضار هر روز و هر هفته متعذر بود
نوبت این جمعیت را سالی دو بار یعنی در عیدین مقرر شد و چون جمعیت شامل اجتماع اهالی ولایات و ساکنان اقالیم ربع مسکونست
بالضرورت در هر سال محال بود پس بنای آن دولت در مکه مبارکه بجمعی توهی تر ساخته شد و آن وظیفه همه عمر است و اهل اسلام
این جمعیت را بمغفرت بیده انه مع الجماعة منصورند بیت لوحش الله جماعت یاران : در ره جذب عشق هم کاران : زین جماعت اگر جدا نفتی
و نخستین قدم فایده دیگر در سفر حج تذکر سفر آخرتست چه درین سفر منازل مقامات آخرت بنظر عبرت مشاهده توان کرد
اماله احباب نشانه سکرات و بند محبت خویشی پیوند کسیختن عقبات و خطرات طریق نمونه اهوال نمونه قبر و سوال منکر و نکیر
احرام را شباهتی بحالت یحشر الناس یوم القیمة حفاة عراة هست طواف خانه با توجه خلق بوش عظیم و شخوص ابصار
اجتماع خلق در عرفات با جمعیت ایشان در عرصات مماثل بواقی برین قیاس باید کرد دیگر از فواید حج یاد کردن وطن
از حالت رجعت ثم الی ربکم مرجعکم باخبر شدن و در مرصاد العباد آورده که حج اشارتست بمراجعت بحضرت عزت و ثبات
بوصول سالک بمقام قرب حضرت یعنی ای در شهر انسانیت قرار کرفته و مقیم سرای طبیعت حیوانی گشته و از کعبه وصال

Copyright © King Saud University